

پرورش روح مسئولیت پذیری

در کودکان

قسمت اول



شهین ابروانی

اگر قبول کنیم که جامعه برای پیشرفت و بهبود هر چه بیشتر شرایطش، بیشتر از همه به اعضای احتیاج دارد که حسن مسئولیت قوی داشته باشند و در انجام وظایفی که بر عهده دارند، کوتاهی نکنند و همچنین مهم است که هر انسانی در مقابل خدا و همچنین نسبت به خود به تکالیفی که دارد به بهترین نحو عمل نمایند، لازم است که به پرورش خصیصه مسئولیت پذیری در افراد اقدام کنیم. از آنجا که بر طبق فرموده رسول اکرم (ص) هفت سال اول زندگی کودک باید با آزادی کامل طی شود و هفت سال

سوم نیز دوران وزارت و تکلیف کودک است، قاعدتاً بهترین دوران پرورش این خصیصه، سنین بین ۱۴-۷ سال یعنی هفت سال دوم است که رسول اکرم (ص) نیز این مرحله را دوران عبودیت و بندگی می نامند. استفاده از اصطلاح بندگی برای این دوران بیان کننده آمادگی نوجوان برای تربیت و آموزش از طرف مربیان است لذا گرچه تربیت به عنوان جریانی مستمر از بدو زندگی طفل باید آغاز شود، توجه مربیان محترم و والدین را به اهمیت سنین فوق خصوصاً جهت آماده سازی اطفال برای سنین

تکلیف، جلب می نمایم.

در آغاز بحث، اشاره ای می کنیم به اساس مسئولیت و نیز مراحل اجرای یک حرکت مسئولانه. کلمه مسئولیت از ریشه سئل و سؤال به معنی «طلب»، «شناخت» یا «فهم» است. منشأ مسئولیت به میناق میان انسان و خدا در عالم «ذره» برمی گردد که در سوره اعراف آیات ۱۷۸ - ۱۷۴ توضیح داده شده است. اصطلاح احساس مسئولیت را می توان به شکل زیر تعریف کرد: «حالتی در انسان، ناشی از علم به مؤاخذه شدن و مورد سؤال واقع شدن در

صورت فصول در انجام تکالیف. این مؤاخذه در روز جزا و به وسیله پروردگار است، اما علم و آگاهی به این جواب پس دهی هر لحظه با فرد همراه است و انگیزه و نیت اصلی او در انجام وظایفش می شود. همین جا لازم به توضیح است که در حقیقت حس مسئولیت حقیقت فطری انسانهاست ولی ممکن است فراموش یا ضعیف شود و وظیفه ما در حقیقت بیداری روح تکلیف و تعهد است و نه ایجاد آن.

هر گاه در یک رفتار مسئولانه دقت کنیم، می توانیم هفت مرحله را در آن تشخیص دهیم:

۱- برخورد فرد با موضوع یا موقعیتی که برای هر کسی اتفاق می افتد و همه ما هر لحظه با جهان خارج برخورد داریم.

۲- ایجاد سؤال در ذهن فرد، وقتی که موقعیتی را مشاهده می کند که بر اساس حق و عدالت نیست و باید اصلاح شود.

۳- ایجاد احساس رنج و پریشانی در فرد که به خاطر مطلع شدن از وجود یک موقعیت ناخوشایند در او بروز می کند. این حضور دائمی احساس درد در وجود انسان، او را همواره نسبت به مسئله حساس نگه می دارد.

۴- بیداری روح تکلیف و میل به عمل در فرد (باید کاری کرد و قدمی برداشت).

۵- تفکر، یعنی شخص به فکر فرو می رود که با مسئله چگونه برخورد کند. نهایت تفکر به ارائه فرضیه‌ای منجر می شود.

۶- تصمیم گیری و انتخاب روش

۷- مرحله اجراء، که فرد به تکلیف خود عمل و مسئولیتش را ایفا

*** ستم هر قدر کوچک و ظریف، باعث سرکوبی کودک و انزوای وی می شود و او با دلی پرکینه در صدد تلافی برخورد آمد.**

می کند و به آرامش روحی نیز می رسد. ذکر این نکته بسیار مهم است که ممکن است فرد پس از انجام وظیفه اش نتواند در شرایط، تغییر و اصلاحی ایجاد کند، اما مهم نیست زیرا تکلیف هر کس، سعی کردن در حد توان است و نه الزاماً تغییر موقعیت. این مسئله بدیهی است که هر یک از ما تجربیاتی داریم مثلاً برای مسئله ای سعی کرده ایم ولی موفق به بهبود اوضاع نشده ایم. علی رغم این مسئله، بارها گفته ایم که از ما رفع تکلیف شده چون سعی خود را کرده ایم. برای پرورش خصیصه مسئولیت طلبی دو ابزار عمده وجود دارد که هر کدام در رشد و تربیت روح تعهدی

*** منشأ مسئولیت به میثاق میان انسان و خدا در عالم «ذر» برمی گردد که در سوره اعراف آیات ۱۷۸ - ۱۷۴ توضیح داده شده است.**

می تواند به توبه خود مؤثر باشد. این دو ابزار یکی رفتار و دیگری صحبتها و گفتار مریبان به طور اعم است. رفتار را که مهمترین ابزار محسوب می شود می توان به عنوان «نمایش عملی کلیه ارزشها، احساسات، تمایلات، افکار، تصمیمها و تجربیات شخص مریبی» تعریف کرد. رفتار، عملکرد مریبی است، آنچه او عملاً از خود بروز می دهد و ممکن است آگاهانه و یا ناآگاهانه باشد. مانند محبت و یا خشم نسبت به کودکان، امر و نهی کردن، بوسیدن کودک، انجام کارهای شخصی و یا کارهای کودک و امثالهم که همه جزء رفتار محسوب می شوند. گفتار شامل بیان و تذکر است یعنی آنچه مریبی از ارزشها، احساسات، تمایلات، افکار، تصمیمات و تجربیاتش مطرح می کند و درباره شان با

بچه ها یا در حضور آنها حرف می زند. فرق اصلی این دو آنجاست که هر رفتاری که از مریبی سر بریزند، حتماً در وجود مریبی خصایص و محتوای مربوط به آن رفتار وجود دارد. مثلاً اگر کودک شاهد نیکی مداوم مریبی به اشخاص باشد، بسیار راحت از وجود روحیه نوع دوستی در مریبی آگاه می شود و از او الگویی گیرد ولی اگر مریبی صرفاً با زبان و در حرف مدام بچه ها را به نوع دوستی تشویق کند، مادامی که با عمل کردن، نصیحت حمایت نشود، این روحیه در کودک تثبیت نمی شود. و خصوصاً اگر کودک خدای ناخواسته، شاهد باشد که مریبی دعوت به خیر می کند ولی در عمل خود مجری رهنمودهای خود نیست و بد عمل می کند، این تذکرات تأثیر کاملاً سوء و منفی خواهد داشت و باعث بدبینی مریبان نسبت به مریبی می شود. مسلم است که در تربیت باید اولویت را به رفتار داد. همان طور که امام صادق (ع) نیز فرموده اند که با اعمالتان داعی به دین ناسد و نه گفتارتان.

لذا با علم به اینکه کودکان تماشاچی دقیق رفتار مریبان خویش و همه مردمی هستند که با آنها تماس دارند، و اصطلاحاً از کوچکترین حرکات و انفعالها، تصویربرداری و هر حرکت را برای خودشان معنا می کنند و بر همان اساس هم عمل می کنند، بهترین چاره در تربیت مسئولیت پذیری در کودکان، وجود رفتار مسئولانه در مریبان (هم والدین و هم دست اندرکاران تربیت کودکان در مدارس) است. اما البته با تاکید بر اهمیت رفتار نباید تأثیر تذکرات و صحبتها در تربیت کودکان نادیده انگاشته شود. در متون اسلامی نیز ما شاهد نصایح حضرت امیر (ع) به فرزندانشان و یا مواظظ لقمان به پسرش در قرآن و ... موارد بسیار دیگری هستیم. این مسئله خصوصاً در سنینی که رشد قوای ذهنی هنوز کامل نشده و قدرت و تصور در کودکان کمتر است و بچه ها بیشتر از محسوسات تأثیر می گیرند. اهمیت بیشتری

دارد.

اینک به بررسی شرایط و محتوای لازم برای نیل به هریک از مراحل هفتگانه اجرای یک حرکت مسئولانه می پردازیم. * پس از آگاهی از جنبه هایی که برای پرورش مسئولیت باید در کودک تقویت نماییم، لازم است بدانیم که در هر ارتباطی مادام که اعتماد وجود نداشته باشد، نباید انتظار تاثیر مثبت و بازدهی مناسب را داشت. دوستی ها به خاطر اعتماد طرفین قوام می یابد و هرگونه اعتقادی در هر فرد به خاطر اعتماد به گوینده ایجاد می شود. در تربیت نیز مهمترین عامل حرکت و

*** حس مسئولیت حقیقت فطری انسانهاست ولی ممکن است فراموش یا ضعیف شود و وظیفه ما در حقیقت بیداری روح تکلیف و تعهد است و نه ایجاد آن.**

تأثیرگذاری بر کودک یا مربی، جلب اعتماد اوست اینکه او به مربی اطمینان پیدا کند، او را دوست خود بشناسد، و علم داشته باشد که مربی جز خیر برای او هیچ نمی خواهد برای این جلب اعتماد سه روش اصلی وجود دارد:

۱- اعمال محبت

برای ایجاد این اعتماد اولین و بهترین ابزار، محبت است. خصوصاً کودکان تشنه محبت هستند و دیر با زود نسبت به کسی که به آنان ابراز دوستی می کند، اعتماد می نمایند. مسأله محبت کردن به دیگران در اسلام سخت مورد توجه قرار گرفته است. رسول اکرم (ص) می فرماید: بچه ها بتان را زیاد ببوسید. یا می فرمایند «پدری که با نگاه مودت آمیز خود فرزندش را مسرور کند،

خداوند به او اجر آزاد کردن یک بنده را عنایت می فرماید.»^۲ از نظر روانی نیاز به عشق و تعلق پس از نیازهای اولیه (بدنی) و نیاز به امنیت قرار می گیرد. اما صرف علاقه داشتن مهم نیست، بلکه ابراز علاقه و اینکه کودک بداند که پدر و مادر و مربی دوستش دارند، به همان اندازه اهمیت دارد.

امام علی (ع) نیز در همین راستا به فرزندش امام حسن (ع) می فرماید: «... تو می دانی که چون من به حساب یک پدر مهربانی به تو توجه دارم و تصمیم دارم تو را بیروم، باید نتیجه محقق باشد و تو با دل پاک و حسن نیت به من رو کنی.»^۳ از آنجا که مربی برخلاف والدین از بدو تولد با کودک آشنا نمی شود، باید برای جلب اعتماد کودک از ابتدا تصویری مطلوب و مقبول از خود در ذهن کودک ایجاد کند که خصوصاً برخوردهای اولیه او با کودک در این زمینه تأثیر تعیین کننده دارد و حتماً سیاست مربی باید از ابتدا سیاست ابراز علاقه به کودک باشد. گفتن کلمات محبت آمیز، اجتناب از پرخاشگری نسبت به کودک - خصوصاً اگر بیمار باشد - نامیدن او با القاب زیبا، رفع نیازمندیهای کودک و مساعدت مربی و والدین در رفع مشکلات از جمله رفتارهای مهرآمیز است. کودک باید درک کند که او را به خاطر خود او دوست دارند و به جز سعادت او را نمی خواهند، و حتی اگر او را تنبیه هم می کنند، از روی علاقه و دلسوزی است زیرا او عملی انجام داده که قبل از همه برای خود او مضر است. ابراز محبت هرگاه با تفکر و محاسبه دقیق همراه نباشد، تبدیل به آفتی به نام لوس کردن می شود که محصول آن هم جز پرورش موجودی سر بار برای خانواده و جامعه نیست. لذا مهم است که والدین و مربیان همیشه قبل از هر رفتار محبت آمیز، لحظه ای درنگ کرده و به عوارض و نتیجه آن دقت نمایند.

۲- وفای به عهد

دومین ابزار جلب اعتماد مقید بودن به اصل «وفای به عهد» است. اجمالاً مطابق این اصل مربی و والدین هرگاه وعده ای به کودک دادند، حتماً باید به آن عمل کنند. اهمیت این مسئله از آنجاست که کودک فطرتاً دروغ را نمی شناسد و انتظار راستی و صداقت دارد. ولی هرگاه با بی وفایی که در حقیقت دروغ گوئی را هم شامل می شود، مواجه گردد، از وعده دهنده سلب اعتماد می کند و بتدریج تعمیم این بی اعتمادی در تمامی زمینه ها، عامل منفی در اثر پذیری کودک می شود. تأکید احادیث نیز از اهمیت زیاد این مسئله حکایت می کند. امام علی (ع) در این زمینه می فرماید: «شایسته نیست کسی به فرزند خود وعده ای بدهد و به آن وفا ننماید.»^۴ و از رسول اکرم (ص) نقل شده است که: «کودکان را دوست بدارید و با آنان رؤف و مهربان باشید، وقتی به آنها وعده ای می دهید حتماً وفا کنید زیرا کودکان شما را رازق خود می پندارند.»^۵ بروردگار که مقام رزاقیت دارد، به دلیل رحمت فراوانش هرگز در رزق معلوم بندگانش ایجاد کاستی نمی کند و این بخشش بلا انقطاع در مخلوق ایجاد اطمینان و امنیت می کند و باعث امید و اعتماد مطلق به رازق خود می شود. حال اگر نعوذ بالله

*** برای ایجاد این اعتماد اولین و بهترین ابزار، محبت است.**
*** مربی و والدین هرگاه وعده ای به کودک دادند، حتماً باید به آن عمل کنند.**

مرزوق از رازق خود دریغ با دروغی مشاهده کند، احساس اضطراب و ناامیدی می کند. مضطرب از اینکه «آیا محروم خواهم ماند؟» و ناامید و نگران که: «پس به چه کسی باید امیدوار بود و از که باید

درخواست نمود؟» - حال با توجه به حدیث فوق، اگر کودک والدین خود را رازق بیندارد، همین حالات اگرچه هرگز به زبان او هم نیاید، در وی وجود دارد. و کسی که وعده می دهد و عمل نمی کند، کودک خویش را دچار ترس، اضطراب، ناامیدی، بدبینی و نهایتاً بی اعتمادی نسبت به خویش کرده است.

۳ - اجرای عدالت و رفع تبعیض

معمولاً بیشتر کودکان از اعمال تبعیض در خانه و در مدرسه گله مند هستند و عمدتاً خود را قربانی این ستم می دانند. میل به اجرای عدالت، فطرت هر انسانی است. اما در مورد کودکان باید ظرافت و حساسیتهای روحی و میل شدید به چسب علقه بزرگسالان و محبت دیدن از جانب آنان را به عنوان دلایلی که نفرت از تبعیض را در آنان تشدید می کند، به حساب آورد. حضرت رسول (ص) می فرمایند: بین فرزندان خود به عدالت رفتار نمایید، همان طور که مایلند فرزندان شما و مردم بین شما به عدل و داد رفتار کنند.^۶

ستم هر قدر کوچک و ظریف، باعث سرکوبی کودک و انزوای وی می شود و او با دلی بر کینه درصدد تلافی برخواهد آمد و چون پدر و مادر و مربی الگوهای او هستند و آنان نیز رفتار عدالت آمیز ندارند، او نیز لاجرم همین رفتار را در آینده برمی گزیند. ولی بالعکس با مشاهده رفتار عادلانه و بدون تبعیض او هم از الگوی مطلوبی تقلید می کند و نیز به مریبان خویش خوشبین شده و به آنها اعتماد می کند یعنی همان چیزی که برای پذیرش اثرات تربیتی به آن نیاز مبرم داریم. که کودک آنان را تکیه گاه خویش می سازد.

اینک برای تکمیل مقدمه حرکت، لازم است تا روشن شود مریبان طفل که در وهله اول والدین و سپس مریبان او در مدرسه هستند، مردم کوچک و بزاز و دوستان و آشنایان هر چند تأثیرات قابل توجهی

بر کودک دارند، اما این دسته اول و دوم هستند که می توانند به راحتی تأثیرات دسته سوم را کنترل و تعدیل نمایند. لذا مخاطبین ما دسته اول و دوم - خصوصاً مریبان محترم کودکان در مدارس - هستند.

✳ عقل را ما به عنوان یک ضامن قوی در جلوگیری از انحراف و افتادن در خطا علی الخصوص در مرحله اجرای تصمیمات لازم داریم. عقل چراغ روشنگر راه است.

روشها

اساس بحث روشها مبتنی بر نتایجی است که از بررسی سیر رفتار مسئولانه به دست آمد. یعنی روشن شد که برای تربیت یک شخص با احساس مسئولیت قوی و اهل عمل، باید شش خصیصه در او ایجاد یا تقویت شود. لذا ادامه بحث، پیشنهاد روشهای لازم در این زمینه است. این روشها بعضی مربوط به رفتار عملی مریبان طفل و بعضی مربوط به اقوال یعنی چگونگی و محتوای صحبت و تذکرات مریبان است. که ذیلاً به بحث پیرامون آنها می پردازیم:

اول - رشد فکری و عقلی و تقویت دقت و هوشیاری در کودک

سه مقوله یاد شده تفاوتهایی با هم دارند ولی به علت نزدیکی حوزه عملشان آنها را با هم مطرح می نماییم. در پرورش خصیصه مسئولیت طلبی، دقت و هوشیاری باعث تسلط و وسیع تر فرد نسبت به موقعیت هایی که با آنها برخورد می کند، می شود. مسلماً یک فرد هوشیار و دقیق، اطلاعاتی عمیق تر و وسیع تر از یک فرد بی دقت یا کم دقت نسبت به یک صحنه و موقعیت به دست

می آورد. رشد فکری خصوصاً آنجا که قصد چاره اندیشی و یافتن فرضیاتی جهت تصمیم گیری و اقدام است، مورد احتیاج است. گرچه نفس تفکر ضامن صحت نتیجه آن نیست، ولی اگر دور از هوای نفس و با اطلاعات عمیق صورت بگیرد، مسلماً راهگشا خواهد بود.

عقل را ما به عنوان یک ضامن قوی در جلوگیری از انحراف و افتادن در خطا علی الخصوص در مرحله اجرای تصمیمات لازم داریم. عقل چراغ روشنگر راه است. در اهمیت مسئله بجاست که بدانیم قرآن و روایات نیز در موارد فراوانی بشر را به تفکر و بهره گیری از عقل دعوت می نمایند. در قرآن وجود آثار خلقت را نشانه ها و آیاتی برای گروهی که به خرد درمی یابند دانسته، و کرو لال و کور بودن را صفت آنان که نمی اندیشند:

«وسخر لکم اللیل والنهار والشمس والقمر والتّجّوم مسخّرات بامرہ ان فی ذلک لآیات لقوم یعقلون» (نحل- ۱۲)
- «... صَمُّ بَکُمْ عُمَىٰ فہم لا یعقلون» (بقره- ۱۷۱)

از امام باقر (ع) نقل کرده اند که فرمودند، لقمان به فرزندش گفت، زیر فرمان حق باش تا خردمندترین مردم باشی. پسر جانم دنیا دریایی است ژرف و جهانی بسیار در آن غرقند. باید کشتی تو در آن، تقوی از خدا باشد و پیر از ایمان و باد باش توکل و ناخدایش خرد (عقل) و راهنمایش دانش و لنگرش صبر باشد.^۷

قرآن درناکید بر تفکر می فرماید:
«کذلک یبیین اللہ لکم الایات لعلکم تفکرون». (بقره- ۲۱۹)

پس از این توضیحات باید به دنبال راههایی جهت رشد این توانایی ها در کودکان بود و قابل توجه است که در این موارد بیش از استفاده از کلمات و تذکر باید عملاً به بچه ها آموزش داد.

• اشاره: مراحل هنگامه تحقق حرکت مسئولانه کودکان، طی مقاله ای در شماره آذرماه ۶۸ منتشر شده است.